



جهاد دانشگاهی

طلایه دارانقلاب فرهنگی قسمت اول

چندی قبل جهت الاسلام والمسلمین خامنه‌ای رئیس جمهور، برادر موسوی نخست وزیر به‌راه تعدادی از اعضا ستاد انقلاب فرهنگی و وزیر علوم و آموزش عالی به منظور ارائه گزارش کار ستاد و اخذ رهنمودهایی در زمینه مسائل و مشکلات مبتلا به تصمیمات ستاد و نحوه اجرائش توسط وزارت علوم به حضور امام خمینی شرفیاب شدند. خبر حکایت از آن داشت که درباره نحوه و تقسیم وظایف و مسئولین بین ستاد انقلاب فرهنگی و وزارت علوم و آموزش عالی دریت امام تصمیماتی گرفته شد. البته در این شرفیابی نماینده‌ای از جهاد دانشگاهی حضور نداشت. امام در خصوص استفاده و دخالت جهاد دانشگاهی در کلیه شئون دانشگاهی از آموزش و پذیرش گرفته تا اداره و بازسازی دانشگاه از وجود عناصر نامطلوب، به مسئولین ذیربط توصیه اکید فرمودند. همچنین در دیداری که عده‌ای از نمایندگان جهادهای دانشگاهی سراسر کشور، انجمنهای اسلامی دانشگاه‌ها و دفتر تحکیم وحدت در تاریخ ... شنبه (۸) آبان ماه با قله مجاهد حضرت آیت‌الله منتظری پیرامون خطرات گذشته جهادهای دانشگاهی و طرح جدید انتقال مسئولیتهای آن به وزارت آموزش

عالی داشتند. آیت‌الله العظمی منتظری ضمن تقدیر از نقش جهاد دانشگاهی در انقلاب فرهنگی و فعالیت‌های چشمگیر آنان اظهار داشتند: «باید مسئولین مربوطه به این نیروی عظیم جهاد دانشگاهی کاملاً توجه داشته باشند و ترتیبی دهند تا از فکر و تجربه و اخلاص این جوانان عزیز دریابند انقلاب فرهنگی بهتر استفاده نمایند و حتی المقدور سعی کنند شکل ساده و انقلابی این حرکت ارزنده جوانان را در پیچ و خم اداری محدود نمایند».

دستورات مؤکد امام عزیزمان و توصیه‌های بسیار بجای امید امت و امام، آقای منتظری از یکطرف و جایگاه ویژه جهاد دانشگاهی در انقلاب فرهنگی (و بعنوان نهادی از نهادهای انقلابی که پاسداری بخشی از ارزشهای فرهنگی انقلاب اسلامی را بعهده دارد و همچنین رابطه تنگاتنگی که می‌تواند با دیگر ارگانها از جمله جهاد سازندگی داشته باشد و بالاخره بعلمت عضویتش در خانواده و مجموعه نهادهای انقلابی و اینکه مشکلات و دردهایش بر این مجموعه بی‌تاثیر نخواهد بود) از طرف دیگر ما را بران داشت، مروری هرچند مختصر به وضعیت و موقعیت قبلی و فعلی جهاد دانشگاهی

و چگونگی ادامه کارش در آینده داشته باشیم. اگرچه سخن گفتن در پیرامون جهاد دانشگاهی و نیروهای تشکیل دهنده‌اش، نیازمند یک بررسی اجمالی از وضعیت گذشته دانشگاهها، ضرورت انقلاب فرهنگی، پیامدهای تعطیلی دانشگاهها، نقش ذیقیمت جهاد دانشگاهی در انقلاب فرهنگی و غیره می‌باشد. بدیهی است این بررسی هرگز بی‌نصیب از نقاط ضعف نخواهد بود و پیشاپیش از نیروهای پیشتانز انقلاب فرهنگی یعنی برادران و خواهران جهاد دانشگاهی و سایر خوانندگان پوزش می‌خواهیم.

❖ وضعیت دانشگاهها در گذشته و «استعمارنو»

برای یک ارزیابی درست از گذشته دانشگاهها، لازم است قبل از بررسی ابعاد گوناگون آموزشی - پژوهشی، فرهنگی - سیاسی، و اداری دانشگاهها تا پیش از پیروزی انقلاب و پس از پیروزی تا آغاز انقلاب فرهنگی، اشارات کوتاهی به ترفندهای استکبار جهانی در جهت وابسته کردن فرهنگ ملتها و همچنین در مورد بنیان‌گذار و گردانندگان و میدان‌داران دانشگاهها داشته باشیم: پس از جنگهای جهانی اول و در اثر رشد فزاینده نهضت‌های مردمی و قیامهای ضد استعماری در کشورهای مستعمره و پس از شکست‌های بی‌دری که نصیب استعمارکار و جانی‌تکار انگلستان شد وی را ناگزیر به عقب‌نشینی پذیرش استقلال برای این نوع کشورها کرد. این عقب‌نشینی اگرچه در بسیاری از موارد براو تحمیل گشته بود و در بعضی از موارد نیز تکیکی بود اما از آنجا که در اثر قرن‌ها تسلط و حاکمیت استعمار بر منابع و معادن ملتهای مستضعف طعم استعمار و چپاول به کامش شیرین نشسته و هرگز نمی‌توانست بر ارضی از آنهمه ثروت‌های بادآورده چشم‌پوشی کند و بعلمت ماهیت تک‌انترطلبانه‌اش و بعد از تجربه تلخی که از حضور مستقیم‌اش در کشورهای مستعمره گرفته بود، تاکتیک و راه جدیدی را برای به زیر سلطه کشیدن کشورهای جهان سوم برگزید و روش «استعمارنو» را جایگزین روش قبلی خود در غارت و چپاول و خیانت نمود. تهاجم فرهنگی، مسخ ارزشهای اصیل فرهنگ ملتهای مستضعف بوسیله دست‌نشانندگان و خودفروختگانی از همین ملتها و نتیجتاً چپاول و غارت منابع و معادن این کشورها و وابسته کردن تمام عیارشان و حاکمیت بخشیدن به اسانهای ضعیف‌النفس اما دیکتاتور و سرکوب‌گر، در دستور کار این تاکتیک‌نویس استعمار قرار داشته و دارد. و به لحاظ اینکه استقلال یک جامعه بستگی مستقیم به فرهنگ حاکم بر آن جامعه دارد، که امام سازش ناپذیرمان دریکی از بیاناتشان به طریق جالبتری این مسئله را یادآور شده‌اند و فرموده‌اند: «مقدرات هر کشوری بدست دانشگاه و انهایی است که از دانشگاه بیرون می‌آیند» نوعاً مراکز آموزشی و علمی از اولین

*** امام در خصوص استفاده و دخالت جهاد دانشگاهی در کلیه شئون دانشگاهی از آموزش و پذیرش گرفته تا اداره و بازسازی دانشگاه از وجود عناصر نامطلوب به مسئولین ذیربط توصیه اکیدا فرمودند.**

*** آیت... العظمی منتظری:**
باید مسئولین مربوطه به این نیروی عظیم جهاد دانشگاهی کاملاً توجه داشته باشند و ترتیبی دهند تا از فکر و تجربه و اخلاص این جوانان عزیز در پیشبرد انقلاب فرهنگی بهتر استفاده نمایند.

*** تهاجم فرهنگی، مسخ ارزشهای اصیل فرهنگ ملت‌های مستضعف و نتیجتاً پهلایل و غارت منابع و معادن این کشورها و وابسته کردن تمام عیارشان در دستورکار این تاکتیک نوین استعمار قرار داشته و دارد.**

مکان‌هایی بوده و هستند که مورد تهاجم و پورش سلسله‌گران و استکبار جهانی قرار می‌گیرند. در کشور ما نیز عمده نفوذ فرهنگی استکبار جهانی معمولاً از دانشگاه آغاز گردیده است و ممالا وابستگی‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نشأت گرفته از همین مراکز بوده است. یکی از مهمترین راه‌های نفوذ به مراکز علمی ما از طریق اشخاصی بوده که بنحوی از انحاء وابسته، خود باختگی در برابر تکنیک و پیشرفت علوم در غرب، بریدگی از جامعه و فرهنگ اسلامی و اغلب در ضدیت با آن، داشتن فساد اخلاقی و غیره از خصائص عام این تیپ افراد بشمار می‌رفته است.

و اکثر القادات افکار غربی و رشد و نمو آن توسط همین اشخاص صورت می‌گرفته است. از اینرو یک یادآوری بسیار کوتاه در اینباره خواهیم داشت و آنگاه چند ویژه‌گی تعلیم و تربیت دانشگاهی در گذشته را بر خواهیم شمرد.

طراح و بنیان‌گذار دانشگاه در ایران شخصی است بنام دکتر عیسی صدیق که با مروری بر زندگیش فهمیده میشود که وی شخصی به تمام معنا بریده از فرهنگ خودی، سراسر وجودش فریفته غرب و خود ساخته‌ای بی‌قرار در مقابل تمدنش می‌باشد و از جمله اعضای برجسته فراماسونری در ایران محسوب میشود نمونه‌های دکتر عیسی صدیق در دانشگاه‌های ایران کم نبودند. بخصوص در چندین سال اخیر بعلاوه اهمیت خاصی که دانشگاه برای رژیم منحوس پهلوی داشت از نفوذ ساواک و فراماسونری در امان نماند. اگر نگاهی به گردانندگان رژیم گذشته و حزب رستاخیزش بیندازیم و مطالعه‌ای پیرامون زندگی اشخاصی همچون هوشنگ نهاوندی - عبدالمجید مجیدی - معتمدی - شریف امامی - هویدا و... داشته باشیم که همه اینها در سرسپردگی از همدیگر سبقت می‌گرفتند برخاسته از همین دانشگاهها می‌باشند. متناسفانه جز تعدادی انگشت شمار بقیه گردانندگان و میدان‌داران دانشگاهها از افراد وابسته به دربار و از سران فراماسونری و ساواک و از نوکران و وابستگان به اجانب بوده‌اند.

دانشگاهی که با صرف هزینه‌ای گزاف و فشار روی طبقات کم در آمد که می‌بایست در خدمت جامعه باشد می‌بینیم اولین اقدام محصولات چنین دانشگاهی علیه جامعه و خیانت به ملت میباشد ما در اینجا در پی تحلیل گردانندگان دانشگاه و محصولات آن نیستیم و غرض از بیان پاره‌ای مطالب در این زمینه جهت یادآوری و تذکر بود و بر همین مقدار ناچیز بسنده می‌کنیم و به توضیح ویژگیهای مخصوص تعلیم و تربیت دانشگاهها در گذشته می‌پردازیم.

*** ویژگیهای مخصوص تعلیم و تربیت دانشگاهها در گذشته:**

در این قسمت به بیان نارسائیهای دانشگاهها تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی اشاره می‌کنیم اگر چه وضعیت دانشگاه از بعد از پیروزی انقلاب و تا آغاز انقلاب فرهنگی هیچ فرقی با گذشته نکرده بود و در بعضی از موارد نیز حتی خیانت بیشتری نسبت به گذشته به امت مسلمان و شهید پرور ایران میشد. همچنین در اینجا فقط رتوس بعضی از مشکلات را مطرح می‌کنیم و از ذکر جزئیات و دلائل خاص و جزئی رتوس مطرح شده به دلیل امکانات محدود مجله اجتناب می‌کنیم.

در زمینه‌های آموزش و پژوهش - نظام ارزیابی - رابطه جامعه و دانشگاه - رابطه استاد و دانشجو و... تقاضی در دانشگاه بچشم می‌خورد که به ذکر بعضی از این ویژگیها می‌پردازیم:

۱ - بطور کلی میتوان گفت دانشگاهها از نقطه نظر آموزش و پژوهش و تحقیق و برنامه ریزی در جهت خود کنائی و رفع نیازهای جامعه و در یک ارتباط تنگاتنگ با احتیاجات واقعی کشور نبوده است چه از لحاظ واحدهای درسی، نحوه تدریس، روش ارزیابی استاد و دانشجو و چه از لحاظ امکانات آموزشی و غیره مثلاً در رشته‌های صنعتی و فنی هماهنگی و ارتباطی با صنایع و نیازهای کشور وجود نداشت و اصولاً سیاست کلی آموزش و پژوهش در دانشگاهها بر پایه وابستگی صنعتی و اقتصادی به خارج و در جهت توسعه و تبلیغ فرهنگ مصرفی بوده است تا هر چه بیشتر بتواند بازار

فروش مصنوعات و تولیدات کشورهای سرمایه داری را رونق و تداوم بخشد، که این سیاست با انجام تحقیقات علمی برای بی‌نیازی صنعتی کشور و توسعه آن مغایرت داشت.

۲ - در بسیاری از موارد تحقیقات و پژوهشها در ارتباط با غرب انجام میشد که تناسی با نیازهای مملکت نداشت مانند تحقیقات اتمی. البته بعضی از صاحب نظران اعتقاد دارند که سطح اطلاعات علمی یک عالم و رشد علم در ایران بایستی با سقف نیازهای کشور هماهنگ و حتی محدود شود این نظریه چندان صحیح نمی‌تواند باشد.

البته صحیح تر آنست که اولویت با سقف نیاز جامعه اسلامی و انقلابی باشد اما این امر هرگز نباید موجب تقابل با توسعه و گسترش آموزشهای علمی چه در تئوری و چه در عمل در سطوح بالاتر گردد مسئله اینجاست که در نظام دانشگاهی گذشته تحقیقات واقعا هدفدار و جهت داری که بتواند مشکلات اولیه جامعه را حل کند صورت نمی‌گرفت ولی در عوض هزینه‌های سرسام آوری صرف تحقیقاتی میشد که اکثر آنها هم تازه بی نتیجه و برای جامعه مفید نبود.

۳ - یکی از ویژگیهای آموزش دانشگاههای ما تربیت متخصصین جهت جذب در جامعه غربی بود و با وقتیکه افراد جهت ادامه تحصیل به خارج از ایران سفر می‌کردند از روی نا آگاهی یا اجبار به کار تحقیق در رشته‌هایی می‌پرداختند که در حقیقت نتیجه‌اش به حل مشکلات جوامع غربی کمک میکرد و نه به حل مسائل جامعه ایران. بعنوان مثال روستاهای کشورمان بیشتر به یک پزشک عمومی نیاز دارند تا مثلاً به یک جراح پلاستیک. طبق آمار موجود ۸۰٪ از پزشکان فارغ التحصیل دانشگاه شیراز به خارج از ایران سفر کرده‌اند و بر اساس آمار سال ۱۳۵۶ حدود ۲۲ هزار نفر از پزشکان ایرانی در خارج بسر می‌برند.

بر اساس یک آمار دیگر آمریکا از سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۶۷ در حدود چهار میلیارد دلار مخارج تعلیم یکصد هزار پزشک، مهندس، دانشمندان دیگر را که

ملاک و معیار...

مجازات صرف نظر شود این یک حالت آنی است یک احساس آنی است فکر نمی کند که اگر هر جانی از مجازات معاف بشود پشت سرش جنایت بعد از جنایت است. که صورت می گیرد عاطفه این جاچی می گوید: عاطفه می گوید نه مجازات نکن. عقل و مصلحت چی می گویند: عقل و مصلحت می گویند نه مجازات بکن. با اینکه عاطفه، عاطفه غیر دوستی است. عاطفه خود دوستی که نیست اینجا. عاطفه غیر دوستی است.

ولی عاطفه که منطبق سرش نمی شود. عاطفه دلسوزی است، دست آدم را گرفته، می گوید که این کار را نکن، عقل و مصلحت اینجا خسارت بخرج میدهند می گویند تو نمی فهمی، تو نزدیک بینی، دور را نمی توانی ببینی، اگر دور را می توانستی مثل نزدیک بینی تو هم حکم نمی کردی ولی چون دور را نمی توانی ببینی اینجا دور داری حکم می کنی. قرآن می گوید: «ولا تاخذکم بهما رافة فی دین الة» اینجا که پای مجازات الهی میرسد مصلحت عامه شریعت است، یک وقتی دلسوزیتان گل نکند آنجا که سندی می گوید: ترحم با پلنگ تیز دندان

ستم کاری بود بر گوسفندان خیلی عالی گفته، ترحم بر پلنگ از لحاظ عاطفی قطع نظر از منطق مصلحت و عقل و اراده، چون خودش یک امر عاطفی است. واقعاً اگر پلنگی است که می خواهیم به او ترحم بکنیم یعنی اگر نزدیک بین باشیم فقط پلنگ را ببینیم، ما می خواهیم پلنگ را مجازات کنیم که گوسفندان ما را خورده است، چنین کرده، چنان کرده، بها رهایش بکنیم. اگر ما بودیم و در همه دنیا موجود دیگری جز این پلنگ در عالم نبود خیلی عاطفه، عاطفه دوستی بود، اما اگر چشمان را باز بکنیم، آنطرفتر، را ببینیم وسیعتر را ببینیم، می بینیم این ترحم ما باین پلنگ مساوی است با قساوت نسبت به صدها گوسفند، عاطفه دیگر سرش نمی شود که این مستلزم یک قساوتهائی دیگری هست. عقل و مصلحت است که همه را با یکدیگر حساب می کند. پشت سر این عاطفه، قساوتها را می بیند. نظیر عینی این حرف راجع باینکه آقا دست دزد بریدن قساوت است، این با انسانیت جور در نمی آید. دست دزد بریدن با انسان دوستی جور در نمی آید. دزد اگر دزدی هم کرد دستش را نبرید بگذارید باشد بعد تربیتش می کنیم

(تربیتی که نتیجه اش را ما همیشه در همه دنیا دیدیم) نه اینجور نیست، نتیجه اش همین است که دارید می بینید. اگر یک قانون وقتی ابلاغ بشود که بعد از این دست دزد از اینجا بریده خواهد شد، دست یکلزد که بریده شود، دیگر تخم مرغ دزدی برچیده می شود. در صورتی که ما الان می بینیم بوسیله همین دزدیها چه جنایتها و آدم کشی ها که نمی شود، یعنی خود دزدی مستلزم خیلی آدم کشیها و جنایتها می شود و شده است. در این مکتب می گوید آقا ملاک و معیار اخلاقی بودن عاطفه نیست بلکه عقل و اراده است. عاطفه هم باید در زیر فرمان عقل و اراده اجرا بشود و کار خودش را بکند و الا اگر بخواهید عاطفه را بنام کار اخلاقی آزاد بگذارید کار ضد اخلاقی انجام می دهد. در اخلاقی که علمای اسلامی و فلاسفه اهلای روی آن خیلی تکیه می کنند این مسئله است که اخلاق کامل، اخلاقی است که بر اساس نیرومندی عقل و نیرومندی اراده باشد. آتوت که میلهای فرهی، میلهای نوعی، اثنیانها، تمام اینها تحت کنترل عقل و اراده باشد.

جهاد دانشگاهی...

در این مدت از کشورهای دیگر وارد کرده صرفه جویی نموده است، و فقط در سال ۱۹۷۵، تعداد ۱۳۳۶ پزشک مهندس و متخصص فنی (عالیتره) به آمریکا رفته اند. مخارج تعلیم این عده بالغ بر ۲/۷ میلیارد دلار تخمین زده میشود. این آمار همچنین نشان میدهد اروپا سالانه بطور متوسط چهار هزار متخصص فنی عالیتره از کشورهای آفریقا و آسیا وارد می کند.

متخصصین که با دسترنج ملت خود چیزی را می آموزند که در خدمت نیات استثمار گرانه شیطان بزرگ آمریکا در می آیند و این یکی از مطالبی است که از طرف استخبار جهانی بر ملتهای مستضعف تحمیل گردیده است و معمولاً یکی از خصوصیات فرهنگ وابسته همین موضوع می باشد.

۴ - دانشگاهها در گذشته بر اساس برنامه ای از پیش تعیین شده که معمولاً سالها ساکن و راکد و یک شکل بوده است فعالیت میکردند.

علت این امر تقلید از نظام آموزشی کشورهای غربی و عدم وجود ارتباطی صحیح بین جامعه و دانشگاه بوده است و اینهمه ره آورد غرب زدگان و خود بلخنگان در برابر غرب می باشد. علت این مسئله هم اینست که متفکران و متخصصان ما نه در مدت تحقیق و تعلم خود و نه در زمان تدریس و

تعلیم خویش جز با منابع آموزشی و تربیتی که تماماً غربی بوده اند ارتباطی نداشته اند. این نوع وابستگی مصرفی در علوم چون اقتصاد و علم سیاست و فضا نیز شدت رواج داشته است.

در حسابداری متخصصین ما می آموزند که چگونه وظائف محلی کارتلهای چند ملیتی را با دستنزدی ارزان انجام دهند تا این شرکتهای عظیم بتوانند با حد اقل هزینه حد اکثر چپاولگری را انجام دهند.

۵ - یکی دیگر از ضعفهای دانشگاه که نتیجه غریزگی و تسلط فرهنگ استعماری غرب بر نظام آموزشی و سایر شئون دانشگاهی می باشد بها دادن بیش از حد به مادیات و تجملات و مقام و مدرک گرانی در جامعه بوده تا آنجا تحولات دایمی علمی جلوگیری نمایند که رواج تخصص گرایی خالی از تعهد اسلامی از آثار آن است. آنهم تخصصی نه به مفهوم ابداع و سازندگیش بلکه تخصصی که فقط ببرد چگونگی بکار اندازی وسایل ساخت

کشورهای صنعتی می خورد. ۶ - فاصله داشتن دانشگاه با مردم و بیگانه بودنش با جامعه و باصطلاح مردمی نبودن این امر را نیز بایستی در فرهنگ و ارزشهای غالب و حاکم بر آن جستجو کرد که بیشتر نشأت گرفته از

ارزشهای غربی بود. اصولاً جامعه دانشگاهی از مجموعه رفتارها و ارزشهای تبعیت می کرد که همواره با روح فرهنگ جامعه بیگانه و در بسیاری موارد در تعارض با آن بوده است. این جدائی البته دلائل خاص و جزئی دارد که بیشتر مربوط به طرز فکر غالب بر دانشگاهیان غرب زده میشود و جای بحثش در اینجا نیست.

۷ - یکی از عمده ترین و پیچیده ترین مشکلات پس از انقلاب بافت بوروکراتیک ادارات و وزارتخانه ها می باشد که هیچ شناختی با آرمانها و اهداف انقلاب اسلامی نداشته و ندارند. همانند سدی در برابر انقلاب جلوه می کنند که انشاء... با کوشش دولت و همت امت در آینده نزدیک این سد شکسته خواهد شد. دانشگاه نیز که خردمندی دستگاه عریض و طویل اداری است از این آفت طغوت مصون نبود. در بعضی از دانشگاههای ما تعداد کارمندان بیشتر از دانشجویان است و در بقیه دانشگاهها نیز تعداد کارمندان دست کسی از تعداد دانشجویان نندارد.

۸ - نظام ارزیابی و انتخاب استادان درست نبود و تازه به ضوابط موجود در دانشگاه نیز عمل نمیشد.

۹ - رابطه استاد و دانشجو به دلائل سیاسی و صنفی رابطه ای غیر اسلامی و طاغوتی بود. ادامه دارد